

نظام جامع تأمین اجتماعی پس از ۱۶ سال همچنان اجرایی نمی‌شود

# قانونی به نام مردم، به کام دولت



عدم اجرای صحیح قانون نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی که ۱۶ سال قبل مصوب شد، باعث شده چند میلیون ایرانی نتوانند از خدمات این قانون بهره‌مند شوند. پس از سال‌ها از تصویب قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، برخلاف آنچه تصور می‌شد قانون مذکور نه فقط موجب فقر زدایی نشد بلکه طبق برخی آمارها در حال حاضر چندین میلیون نفر در کشور حضور دارند که خود یا اعضای خانواده‌شان از هیچ پوشش بیمه‌ای بهره‌مند نیستند. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد در اجرای این قانون تعلل وجود داشته است. از سوی دیگر، هنوز بررسی جامع و دقیقی انجام نشده تا مشخص شود تاکنون اجرای قانون جامع، دقیقاً به نفع چه طبقات و اقشاری بوده و چگونه و با چه مکانیزمی باید منافع فقرا، تأمین شود و میزان تأثیر اجرای کارشناسی و کامل این قانون بر مباحث ملی مانند فقر زدایی و کاهش فاصله طبقاتی چقدر است؟ «کامیاز لعل» کارشناس تأمین اجتماعی تأکید دارد: بنا بر این قانون، به نفع کل مردم و به ویژه اقشاری باشد که هیچ گونه پوشش بیمه‌ای ندارند اما بعد از ۱۶ سال که از اجرای ناقص این قانون گذشته، این هدف گذاری بنیادین هنوز عملی نشده و فقط بخش دولتی از اجرای آن، منفعت برده است زیرا توانسته بیشتر از دوره قبل این قانون، مداخلات خود را گسترش دهد و حتی در عرصه‌هایی ورود کرده که تا پیش از آن مجاز نبود. وی در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر به دلایل اجرایی نشدن این قانون پرداخته است.

طبق برخی آمارها، چندین میلیون نفر در کشور هستند که خود یا اعضای خانواده‌شان از هیچ پوشش بیمه‌ای بهره‌مند نیستند. طرح جامع چگونه می‌تواند این قشر را زیر پوشش خود قرار دهد؟ تقریباً ۴۰ میلیون نفر تحت پوشش بیمه و درمان تأمین اجتماعی و حدود ۳۰ میلیون نفر هم تحت پوشش بیمه خدمات درمانی یا تحت پوشش بیمه‌های نیروهای مسلح هستند. آمار بودجه خانوار که از دل آن نمونه‌گیری‌های در آمد هزینه‌های خانوار مرکز آمار استخراج می‌شود نشان می‌دهد که حدود ۱۰ درصد مردم هیچ گونه پوشش بیمه‌ای ندارند. البته اگر سرانه‌هایی که در بودجه کشور در نظر می‌گیرند، با هم جمع کنیم شاید ۱۰ یا ۱۲ درصد بیشتر از جمعیت کشور از محل درآمدهای عمومی بودجه می‌گیرند و بقیه عمدتاً ۱۰ درصد هیچ گونه پوشش بیمه‌ای ندارند. البته از این مقدار الزاماً همه آنها افراد نیازمند نیستند و ممکن است بعضی از این افراد خودشان علاقه‌ای به بیمه شدن نداشته باشند مثل کسانی که تمکن مالی لازم را دارند. به هر حال، بر اساس آمار که از دیتاهای مرکز آمار ایران قابل استخراج است جمعیتی که فاقد پوشش بیمه‌ای هستند ۱۰ درصد جمعیت کل کشور است و ممکن است برخی وزارتخانه‌ها دسترسی به آمار دیگری داشته‌اند که من اطلاعاتی از آن ندارم. این نداشتن پوشش بیمه‌ای

گویای ناکامی قانون نظام جامع ساختار نیست؟ دقیقاً همین‌طور است زیرا تقریباً در آستانه تصویب این قانون، وضعیت همین بوده و ممکن است به جای ۱۰ درصد مثلاً ۱۵ درصد جمعیت کشور بیمه نداشته‌اند و الان شده ۱۰ درصد. فلسفه وجودی نظام جامع ساختار یا بیمه و درمان تأمین اجتماعی و حدود ۳۰ میلیون نفر هم تحت پوشش بیمه خدمات درمانی یا تحت پوشش بیمه‌های نیروهای مسلح هستند. آمار بودجه خانوار که از دل آن نمونه‌گیری‌های در آمد هزینه‌های خانوار مرکز آمار استخراج می‌شود نشان می‌دهد که حدود ۱۰ درصد مردم هیچ گونه پوشش بیمه‌ای ندارند. البته اگر سرانه‌هایی که در بودجه کشور در نظر می‌گیرند، با هم جمع کنیم شاید ۱۰ یا ۱۲ درصد بیشتر از جمعیت کشور از محل درآمدهای عمومی بودجه می‌گیرند و بقیه عمدتاً ۱۰ درصد هیچ گونه پوشش بیمه‌ای ندارند. البته از این مقدار الزاماً همه آنها افراد نیازمند نیستند و ممکن است بعضی از این افراد خودشان علاقه‌ای به بیمه شدن نداشته باشند مثل کسانی که تمکن مالی لازم را دارند. به هر حال، بر اساس آمار که از دیتاهای مرکز آمار ایران قابل استخراج است جمعیتی که فاقد پوشش بیمه‌ای هستند ۱۰ درصد جمعیت کل کشور است و ممکن است برخی وزارتخانه‌ها دسترسی به آمار دیگری داشته‌اند که من اطلاعاتی از آن ندارم. این نداشتن پوشش بیمه‌ای

اجرای قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، بیشتر به نفع کدام طبقات و اقشار است؟ بنا بر این قانون، به نفع کل مردم و به ویژه اقشاری باشد که هیچ گونه پوشش بیمه‌ای ندارند اما بعد از ۱۶ سال از اجرای ناقص این قانون، این هدف گذاری بنیادین، هنوز عملی نشده است و فقط بخش دولتی از اجرای آن، منفعت برده است زیرا توانسته بیشتر از دوره قبل این قانون، مداخلات خود را گسترش دهد و حتی در عرصه‌های ورود کرده که تا پیش از آن مجاز نبود، بعد از اجرای ناکام قانون جامع، تغییراتی در اساسنامه سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اتفاق افتاد و سه‌جانبه‌گرایی بیمه‌ها، تقریباً مخدوش شده زیرا بخش دولتی در همه زیرمجموعه‌های بیمه‌ای، مداخله رسمی می‌کند. بنابراین به نظر می‌رسد به جای مردم، بخش دولتی برنده اصلی اجرای ناکام قانون نظام جامع بوده است.

این قانون با چه مکانیزمی می‌تواند منافع فقرا را تأمین کند و اصلاً تأثیر اجرای آن در کاهش فقر و کم شدن فاصله طبقاتی چگونه است؟

اگر تأمین اجتماعی چندجانبه به معنای تأمین اجتماعی عام و سه‌سازمان تحقق می‌یافت، حتماً همه مردم از موهب آن بهره‌مند می‌شدند و سطح فقر در جامعه کاهش می‌یافت ولی هر چقدر در اجرا از روح قانون فاصله گرفتیم، این اتفاق نیفتاد. می‌توانم بگویم که در عمل جمعیت منفعت‌برندگان بعد از تصویب و اجرای قانون با قیل از آن هیچ تفاوتی نکرده است. همان افرادی که به نوعی از موهب رفاه و تأمین اجتماعی بهره‌مند بودند، بعداً هم بهره‌مند شدند و پس از آن هم افرادی منتفع نشدند که قبل از آن هم منتفع بودند. البته در استمرار این وضعیت نیز نبود پایگاه جامعه اطلاعات تعیین کننده بوده است.

طبق آمارها، حدود ۷ میلیون ایرانی با وجود شاغل بودن به علت خودداری کارفرمایان از پرداخت حق بیمه آنان، عضو هیچ صندوق بیمه‌ای نیستند و ذره‌بین نهادهای نظارتی مانند بازرسی‌های سرزده

بر اساس آمار بانک مرکزی تا ۳۰ سال اخیر، تقریباً هیچ دو سال متوالی، نرخ رشد اقتصادی مثبت نداشته‌ایم و در واقع، دچار دوره‌های مختلف رکود اقتصادی بوده‌ایم و چند دوره رکود تومی را نیز تجربه کرده‌ایم. اینها همه پتانسیل‌های اقتصاد را برای ایجاد اشتغال پایدار گرفته و موجب شده برخی از جوانان کار نتوانند شغلی پیدا کنند و از مزایای بیمه بهره‌مند شوند. بدون شک، توزیع نامناسب درآمدهای نفتی در کشور یکی دیگر از عوامل عدم اشتغال‌زایی است.

جمعیت در آستانه اشتغال، امیدوی به یافتن شغل ندارد و این باعث می‌شود آمار مشارکت و فعالیت اقتصادی نسبت پایینی داشته باشد. همچنین اقتصاددانان، امکان تولید شغل ندارند و این نیز بر می‌گردد به ساختارهای نامناسب اقتصادی

تأمین اجتماعی از کارگاه‌ها هم نتوانسته آنان را از وضعیت وخیمشان نجات دهد. نظام تأمین اجتماعی برای شناسایی و حمایت از این عده، چه تدبیری پیش‌بینی کرده است؟

واقعیت این است که سوای آنهایی که خود خواسته، بیمه پرداخت نمی‌کنند و ما اصطلاحاً به آنها می‌گوییم «فرار دستمزدی» بقیه افرادی که در بخش غیررسمی کار می‌کنند، به دلیل برداشتی خاص و یک‌سویه از قانون تأمین اجتماعی، حق بیمه پرداخت نمی‌کنند. در هیچ جای قانون تأمین اجتماعی سال ۱۳۵۴، تفکیکی بین بخش رسمی و غیررسمی اقتصاد صورت نگرفته، بلکه قانون تأکید کرده هر کسی که در مقابل مزد کار می‌کند، رسمی است. بنابراین تنبلی ما بوده که نتوانسته‌ایم ساز و کارهای لازم را طراحی کنیم تا بخش غیررسمی هم رسمی تلقی شود و بگویم هر کسی در بخش رسمی قرارداد داشت، باید پولش را بدهد تا نامش را وارد فهرست بیمه‌شدگان کنیم. به نظر می‌رسد شاید الان بعد از گذشت بیش از ۴۵ سال از اجرای قانون، یک بازنگری هم اگر در درون سازمان تأمین اجتماعی نسبت به روح قانون تأمین اجتماعی اتفاق بیافتد، خیلی بهتر است.

به نظر می‌رسد چون طراحی ساز و کارهایی که بتوانیم بیمه‌ها را به بخش غیررسمی تسری دهیم، کار سختی است تا حدودی نتوانسته‌ایم این کار سخت را انجام دهیم اما یکی از مسئولیت‌های اجتماعی ما که در سازمان تأمین اجتماعی کار می‌کنیم، باید این باشد که این ساز و کارها را طراحی کنیم. کارگران غیررسمی نباید به دلیل ناتوانی مادر سیاست‌گذاری از حق طبیعی‌شان محروم شوند. وجود چنین محرومیت‌هایی در هیچ جای قانون کار مورد اشاره قرار نگرفته، بنابراین نباید محرومیت‌های موجود نیز به قانون نسبت دهیم، بلکه باید بپذیریم، این محرومیت‌ها در برداشت نادرست ما و اجرای قانون نادرست و ناقص قانون ریشه دارد.

حساب کنیم عیدی و سنوات عدد بزرگی است که در محاسبات نیامده و اگر بگویم دستمزد ۶۰ درصد سبد را هم بپوشاند با محاسبه آن ۱۰ تا ۱۵ درصد بالا می‌رود. البته هزینه‌های اجتماعی که بر عهده کارفرما نیست و در دل سبد است را باید در نظر بگیریم. وی افزود: بخش کارفرمایی تلاش کرد تا سهم خود را در کشور به نحو احسن پیاده کند و امیدواریم سال آینده برای تحقق بندهای ۲۹، ۳۰ و ۳۱ قانون اساسی که شاید دهه‌ها از آن غافل بودیم برنامه تدوین شده‌ای ارائه و در این راه به بخش کارفرمایی و کارگری کمک شود و با کاهش هزینه‌ها، بازار کار و اشتغال را حفظ کنیم.



وزیر کار هم با حسن نظر به این نگاه کردند و چون بحث منطقی بود همه همراهی کردند، توانستیم هم در زمان سرعت عمل داشته باشیم و هم یک وحدت عمومی را رقم بزنیم و آرامش نسبی ایجاد شد. نماینده کارفرمایان در شورای عالی کار تصریح کرد: ما روزهای سختی را پیش‌بینی می‌کنیم و امیدواریم با حمایت‌های دولت در بخش واحدهای خرد و کوچک در سال آینده بتوانیم ادامه بقا و

## ۱۴۰۰، سالی سخت برای واحدهای خرد و کوچک خواهد بود

نماینده کارفرمایان در شورای عالی کار با بیان اینکه امسال در تعیین دستمزد تلاش کردیم تا قدرت معیشت کارگران را برگراند، از دولت و مجلس خواست تا در جهت حمایت بیشتر از واحدهای خرد و کوچک و حفظ بقا و اشتغال آنها در سال آینده گام بردارد. اصغر آهنی‌ها در گفت‌وگو با ایسنا در ارزیابی افزایش ۳۹ درصدی حداقل دستمزد ۱۴۰۰ اظهار کرد: سالی که گذشت سال سختی هم برای جامعه

## پوشش ۶۳ درصدی کاهش قدرت خرید کارگران با دستمزد ۱۴۰۰

رئیس کمیته دستمزد کانون عالی شورای اسلامی کار گفت: اگر بازار کنترل شود و در بازه ۵ ساله افزایش دستمزد با رقم‌های مطلوب ادامه یابد، می‌توان امیدوار بود که حداقل دستمزد به سبب معاش خانوار نزدیک شود. فرامرز توفیقی در گفت‌وگو با خبرگزاری میزان گفت: در جلسه شورای عالی کار، بعد از ساعت‌ها بحث و چانه‌زنی و نظر موافق سه ضلع کارگری، کارفرمایی و دولت در نهایت به افزایش ۳۹ درصدی حداقل مزد ماهانه رسیدیم. سایر مؤلفه‌های دستمزد از جمله بن، حق مسکن و سنوات نیز بارشده همراه شده، طوری که بن ۵۰ درصد، حق مسکن ۵۰ درصد و نرخ پایه سنوات ۴۰ درصد افزایش یافت. حق اولاد نیز که تابعی از حداقل مزد است با افزایش ۳۹ درصدی روبه‌رو شد. وی افزود: لذا حداقل دستمزد با تمام مؤلفه‌ها برای سال ۱۴۰۰، رقم ۴ میلیون و ۱۹۰ هزار و ۷۰۷ تومان تعیین شد که نسبت به سال ۹۹ به طور کلی با در نظر گرفتن مؤلفه‌های گفته شده ۱۶۴ درصد افزایش یافته است. توفیقی گفت: معتمد افزایش سال آینده، حرکت مناسبی برای حرکت در مدار افزایش قدرت خرید جامعه کارگری است اما در این بین شروطی وجود دارد و باید دولت‌مردان بازار را

نگاه

### دستمزد ۱۴۰۰، محصول سه‌جانبه‌گرایی

محمد رضا تاجیک، نماینده کارگران در شورای عالی کار

معتمد که افزایش ۳۹ درصدی حداقل مزد برای سال آینده، حاصل اجماع سه‌جانبه در شورای عالی کار بود. اگر چه رقم دستمزد با ایده‌آل‌های جامعه کارگری فاصله زیادی دارد ولی تلاش کردیم با یک اجماع سه‌جانبه به عددی مطلوب برسیم که رضایت نسبی را به دنبال داشته باشد. در این شرایط سخت ناچاریم با توجه به آسبایی که کرونا به کسب و کارها وارد کرده همه مشاغل و صنوف را در نظر بگیریم چون وقتی مزد ملی تعیین می‌کنیم باید همه جوانب را در سطح کشور مدنظر قرار بدهیم.

خط کش ماسا ده ۴۱ قانون کار است و در چارچوب این ماده می‌توانیم تصمیم بگیریم. سال گذشته در حالی که نرخ تورم ۳۴ درصد بود، حداقل مزد ۲۱ درصد تصویب شد و سه‌جانبه‌گرایی به طور مجزا در این زمینه شکایت کردند که در نهایت ۵ درصد دیگر روی دستمزد جابه‌جا شد و افزایش پیدا کرد و مبلغ ۲۰۰ هزار تومان به حق مسکن اضافه شد.



به نظر من وقتی می‌خواهیم در چارچوب قانون صحبت کنیم باید نگاهمان با آمار و ارقام بانک مرکزی و مرکز آمار منطبق باشد. البته ممکن است آمار را قبول نداشته باشیم ولی در مذاکرات رسمی نمی‌توانیم فقط آمار و دیدگاه‌های خود را مطرح کنیم و باید به قانون استناد کنیم. امسال و در حالی که تورم کل کشوری ۳۴.۲ درصد بود، درصد افزایش روی پایه مزد ۳۹ درصد تصویب شد. البته عدد پیشنهادی ما بالاتر بود ولی نمی‌توانیم تک‌بعدی عمل کنیم و نیاز به تفاهم با دیگر شرکای اجتماعی داریم تا بتوانیم سایر مسائل کارگری را هم با توافق نظر در شورای عالی کار پیش ببریم.

البته رقم تصویب شده هزینه‌های سبب معیشت کارگران را پوشش نمی‌دهد ولی تلاش ما این بود که روی پایه مزد دستمزد کنیم و معتمدیم کارگران روند ادامه یابند تا بتوانیم فاصله بین حداقل مزد و معیشت کارگران را از بین ببریم. اگر سبد را ۳۰.۳ نفر در نظر بگیریم این رقم حدود ۶۱ درصد سبب معیشت را پوشش می‌دهد. ما سقف دستمزد کارگری را بالا بردیم که باعث می‌شود حق اولاد افزایش یابد و برای بازنشستگان هم اتفاق خوبی است.

در پایان از دولت و مجلس می‌خواهم تا کنترل و نظارت بر قیمت‌ها و مهار تورم در سال آینده را دستور کار قرار بدهند و اهتمام لازم را در جهت تحقق این هدف نشان بدهند. در غیر این صورت دستمزد تعیین شده اثر گذاری لازم را در زندگی کارگران نخواهد داشت و زندگی برای کارگران سخت خواهد شد لذا همه چیز در سال آینده به دولت که نقش حاکمیتی در کشور دارد بر می‌گردد که این مساله را با همکاری مجلس به شکل مطلوب مدیریت کند.

خبر کارگری

### تجمع دوباره کارگران ابنیه فنی راه آهن کرج

صبح روز دوشنبه (۲۵ اسفند ماه) کارگران ترانس کرج در اعتراض به نامشخص بودن وضعیت شغلی خود بعد از واگذاری مدیریت شرکت ترانس به دولت، مقابل ایستگاه کرج اعتراض صنفی برگزار کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران با بیان اینکه پیش از این در روز ۱۹ اسفند ماه دست به اعتراض صنفی زدیم و آن روز برخی مسئولان وعده دادند هم وضعیت شغلی و هم مطالباتمان تا روز دوشنبه مشخص می‌شود، افزودند: بیای توجیهی مسئولان به مطالبات کارگران در نهایت تصمیم گرفتیم طبق فراخوانی که از قبل داده بودیم، به اعتراضات صنفی خود در چارچوب قانون ادامه دهیم. طبق اظهارات یکی از کارگران، طبق رای شعبه ۲۱ مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران ترانس تا پایان سال جاری به دولت واگذار می‌شود. آنچه کارگران را نگران کرده کندی روند واگذاری است و نیز نامشخص بودن وضعیت شغلی کارگران و پرداخت مطالباتشان. وی گفت: از آذر ماه منتظر تغییر و تبدیل وضعیت کارگران به بخش دولتی هستیم اما هنوز به جز واگذاری بخش از املاک و دارایی‌های ترانس شاهد توافق خاصی دیگری نبوده‌ایم. ضمن اینکه مدیریت راه‌آهن بارها اعلام کرده به زودی مدیرعامل و اعضای هیات مدیره جدید شرکت ترانس را معرفی خواهد کرد.